



تفسیر منسوب به امام صادق(ع)؛ از پیدایش تا شهرت

منوچهر صدوقی سها؛ مدرس و پژوهشگر حکمت و عرفان اسلامی، در نشست علمی «بررسی تفسیر عرفانی منسوب به امام جعفر صادق(ع)»، گفت:

منوچهر صدوقی سها؛ مدرس و پژوهشگر حکمت و عرفان اسلامی، در نشست علمی «بررسی تفسیر عرفانی منسوب به امام جعفر صادق(ع)»، گفت: به نظر بنده مؤلف این کتاب، شیعه شیعه نیست و سنی سنی هم نیست بلکه سنی صوفی متشیع است که جعل و وضع را نه تنها بد نمی داند بلکه مجوز به آن هم می دهد.

اراسل/ تفسیر منسوب به امام صادق(ع)؛ از پیدایش تا شهرتبه گزارش ایکننا، منوچهر صدوقی سها؛ مدرس و پژوهشگر حکمت و عرفان اسلامی، شامگاه ۱۵ فروردین ماه در نشست علمی «بررسی تفسیر عرفانی منسوب به امام جعفر صادق(ع)» که از سوی مؤسسه میراث علوی برگزار شد، گفت: به نظر بنده مؤلف این کتاب، شیعه شیعه نیست و سنی سنی هم نیست، بلکه سنی صوفی متشیع است که جعل و وضع را نه تنها بد نمی داند بلکه مجوز به آن هم می دهد.

متن سخنان وی و دبیر جلسه به شرح زیر است:

مؤلف این کتاب به گمان بنده شخصی است که این تفکر را دارد که برای ترغیب مردم به قرائت و انس با قرآن می توانیم روایت جعل درست کنیم. به نظر بنده مؤلف این کتاب، شیعه شیعه نیست و سنی سنی هم نیست، بلکه سنی صوفی متشیع است که جعل و وضع را نه تنها بد نمی داند بلکه مجوز به آن هم می دهد.

بنده برای این اثر یک مقدمه و یک مؤخره درست کرده ام که مؤخره سیری پدیدارشناسی در متن است که بهترین روش تحقیق هم پدیدارشناسی است، یعنی ما این کتاب را مقابل خودمان بگذاریم و ببینیم چه به ما می گوید. یعنی معتبر است یا نیست و یا شیعی محض و یا سنی محض است. تا جایی که بنده فهمیده ام تفسیر ماثور است، زیرا از قال زیاد استفاده کرده است.

چند دسته حدیث نیز در این کتاب وجود دارد؛ اول احادیثی که مطابق با مذهب شیعه است؛ بنده احتیاط می کنم نمی گویم شیعی است، بلکه می گویم مطابق با مذهب تشیع است.

یکسری احادیث مطابق با مذهب اهل سنت و برخی احادیث مقبول الطرفین و مورد قبول شیعه و اهل سنت است و یک دسته روایات هم معجولات و موضوعات است و حتی بعضا وضع و جعل به جایی می رسد که حاوی جسارت می شود یعنی مطالبی با نام حدیث نقل شده است که انسان آن را جسارت به دین تلقی می کند.

در بسم الله الرحمن الرحیم وقتی سند را ذکر کرده است که احمد بن محمد بن محمد بن حرب حدیثنا ابوطاهر ... است تا می رسد به حضرت هادی(ع) از امام صادق(ع) در تفسیر بسم الله نقل کرده است: السین اسماءه و الباء بقاءه و المیم مقامه و ...

شبهه این حدیث شریف در متون شیعی مانند: کافی و توحید و ... الی ماشاءالله وجود دارد. در صفحه ۲۲۴ این کتاب در باب ولایت بحث مهمی مطرح شده و این حدیث را نقل کرده است: و هم العارفون ولو كانوا یدعون بالطمع مقام النبیین ...؛ در بحث ولایت برخی از صوفیه گفته اند ولایت مطلقا بر نبوت اشرف است که سیدگیسو دراز و دیگران با صراحت این مطلب را تأکید کرده اند. ولایت چنان است که در بر و نبوت چنان است که بر در. ولی آیا این منطق بر نگاه شیعه است؟

بله ولایت در شخص نبی بر نبوت ایشان برتر است، زیرا نبوت جنبه یدالخلق دارد و ولایت جنبه یداللهی. بنابراین ولایت نبی بر نبوت او اشرف است اما این مطلق نیست، یعنی نمی توان گفت ولایت مطلقا بر نبوت اشرف است. این سخن مطمئنا از یک اهل سنت بیان نمی شود که بگوید ولایت مطلقا بر نبوت اشرف است، بنابراین نویسنده این اثر سنی محض نیست.

مورد دیگر در مورد آمین است که در همان صفحه مورد اشاره آمده است و طبیعی است که آمین گفتن بعد از حمد ربطی به عقیده شیعه ندارد. در صفحه دیگری آورده است: و منهم من هاجر الی المصطفی(ص) ابابکر و عمر و غیرهما و هم اصحاب السعاده و ...؛ این مطلب را از قول حضرت صادق(ع) بیان می کند و بدتر از این آمده است: وصیت المصطفی لا تسب اصحابی الا من سب اصحابی فهو کافر؛ یعنی امام هادی(ع) و امام صادق(ع) فرموده باشند که پیامبر(ص) وصیت فرمود اگر کسی به اصحاب من سب کند کافر است. آیا مطابق با قرآن کریم همه اصحاب پیامبر(ص) صالح و شایسته بودند. حضرت هادی(ع) از آباء کرام به

امام صادق(ع) رسانده باشند و ایشان هم از پیامبر(ص) چنین روایتی را نقل کند؟ چقدر منافق در بین اصحاب رسول الله(ص) بودند؟ آیا این به روایات امام صادق(ع) می چسبید؟

در همان صفحات آمده است: و منهم من جعل بينه و بين مولا موده ... و هم اصحاب اميرالمؤمنين(ع)؛ خب این قطعا شیعی است، زیرا ما می دانیم امیرالمؤمنین لقب حضرت امیر(ع) است. این یک روایت و روایت دیگر که در بالا ذکر شد و بنده نمی دانم چگونه می توان بین این دو جمع کرد.

در روایت دیگر آمده است: و يقال مثل المصطفى كمثل الجنة؛ فیها اربعة انهار و نهر الماء و هو ابوبكر. و قال النبی من احب ابابكر فقد اقام الدين و كما ان قوام الدنيا بالماء كذلك اقام الدين با ابی بكر. و نهر من لبن و هو عمر و من احب عمر ... و نهر من خمر و هو عثمان كما قال النبی من احب عثمان فقد استنار بنور الله... .

چرا کتاب چاپ شد؟

اولین مطلب تاریخ تألیف یا تصنیف است؛ این کتاب یا تألیف، یا تصنیف و یا روایت یک شخصی است و دلیلی وجود دارد که این کتاب را تولید کرده باشد؛ دو مطلب در اینجا مهم است؛ اول اینکه چه کسی آن را تولید کرده است و دیگر اینکه تاریخ آن برای چه زمانی است؟ در تاریخ تألیف بنده به دو قرینه مهم گمان می کنم، تألیف این اثر یا برای قرن چهارم و یا حداکثر برای قرن پنجم است.

دلیل هم اینکه کتابی به نام علم القلوب داریم که منسوب به ابوطالب است و اگر از او هم نباشد قرائن نشان می دهد برای قرن چهارم است. در این کتاب نیز مطالب زیادی وجود دارد که شبیه علم القلوب است، لذا قرینه بر تعلق به قرن چهارم است.

قدمای مفسرین وقتی از یک سوره یاد می کردند از این تعبیر استفاده می شد: السوره التي يذكر فيه بقره. این تعبیر از قرن ۵ به بعد وجود ندارد اما قبل از آن بسیار مورد استفاده بود. هیچ موردی از قرن ۵ به بعد نداریم و این قرینه هم نشان می دهد که این کتاب یا قرن چهارمی و یا نهایتا قرن ۵ است.

اما در مورد مؤلف

مستشرقین در باب مصنف و مؤلف این کتاب غوغا کرده اند؛ مرحوم علی بن ولی نوری، فاضل و شاعر بود و می گفت من روز قیامت با فلان شخص یک هزار سال محاکمه دارم و عرض بنده این است که ما نیز با بسیاری از مستشرقان هزار سال محاکمه داریم. بروکلیمان و ماسینیون و ... غوغا کرده اند که صاحب این کتاب کیست؟ ماسینیون گفته است این اثر به جابر بن حیان و یا به ابن ابی العوجا زندیق و کافر می رسد؛ ماسینیون در جای دیگر می گوید ویراستار این اثر ذوالنون است.

آن چه از خود متن برمی آید این اثر منسوب به احمد بن محمد بن حرب است؛ ما متأسفانه نمی دانیم این شخص کیست اما چند مطلب وجود دارد که اهل تحقیق می توانند دنبال کنند.

اول اینکه در بین صوفیه قرن سوم فردی به نام احمد بن حرب نیشابوری است و این کسی است که در متون قدیم آمده است وقتی امام رضا(ع) به نیشابور تشریف آوردند و مردم درخواست حدیث از ایشان داشتند یکی از شخصیت های حاضر احمد بن حرب بوده است. این نشان می دهد او شخصیت تاریخی است.

اگر او راوی و نه مصنف و مؤلف نباشد دکتر تدین گفته اند این متن به ظن اقوی، ساخته فردی سنی مذهب است. بنده عرض می کنم شخصی که این کتاب را ساخته است شخصی سنی مذهب با مشرب تصوف و متشیع و صلح کل است و اهل متأسفانه وضع و جعل هم هست که چند نمونه آن بیان شد.

دلیل چاپ اثر

پاسخ بنده جهت علت چاپ این اثر این است که اولاً این متن منسوب به امام صادق(ع) است؛ دوماً در عین اینکه حاوی برخی مجعولات است مطالب عرفانی بالا و والایی دارد و عرض کردم صلح کل بوده است و اگر مطلب عرفانی خوبی هم می دیده است آورده است، لذا نه تماماً حق و نه تماماً باطل است.

سوم اینکه وقتی ما می بینیم این اثر به امام صادق(ع) نسبت داده شده است و حاوی مجعولات است آیا گمان نمی رود که

برخی مستشرقین و مستغربین آن را پیراهن عثمان کنند؟ اگر به دست مانند ماسینیون برسد چه که نمی کنند لذا نباید ما پیش دستی کرده و بگوییم این مطالب منتسب به امام ما هست و غلط هم زیاد دارد؟

داستان شکل گیری اثر

در ابتدای این جلسه محمد سوری؛ دبیر جلسه توضیح مختصری از داستان شکل گیری این متن به عنوان تفسیر منسوب به امام جعفر صادق (ع) بیان کرد و گفت: در میراث مکتوب شیعه ما چنین متنی را سراغ نداریم یعنی وقتی سراغ فهرست مصنفات شیعه مثل کتاب رجال نجاشی یا رجال شیخ طوسی برویم از این متن خبری نیست؛ در بین اهل سنت هم ما تا قبل از دوره زندگی ابو عبدالرحمن السلمی نیشابوری عارف و محدث بزرگ ایرانی که در سال ۴۱۲ از دنیا رفته است باز چنین متنی را نمی شناسیم.

پس این متن از کجاست؟ ابو عبدالرحمان سُلَمی نیشابوری کتابی به اسم حقایق التفسیر دارد که نکته های عرفانی و لطایف و اشاراتی را که عرفا یا صوفیه بزرگ دوره خودش و قبل از خودش ذیل آیات قرآن کریم گفته اند در ذیل هر آیه نقل کرده است مثلاً وقتی به آیه ۵۰ سوره بقره رسیده گفته است: قال جعفر یا قال الحلاج؛ یعنی اقوال مختلف را نقل کرده است.

البته اختلافی هست که آیا وقتی می گوید جعفر منظورش امام جعفر صادق (ع) یا یک جعفر دیگر؛ اما منظور او هرچه باشد این به تدریج در طول زمان به عنوان اینکه گوینده امام جعفر صادق (ع) است شهرت پیدا کرده است و خیلی از کسانی هم که تفسیر عرفانی نوشته اند بعد از سلمی از این حقایق التفسیر استفاده کرده اند. مثلاً روزبهان شیرازی در تفسیر عرایس البیان از کتاب سُلَمی خیلی استفاده کرده است.

پُل نوپا محقق بزرگ مسیحی که محقق تصوف بود بخش هایی از این تفسیر حقایق را جدا و چاپ کرد. از جمله آن بخش هایی که چاپ کرد یکی هم بخش مربوط به امام جعفر الصادق (ع) است که حدود سیصد و مثلاً ده بیست تا قول هست؛ بعداً در ایران هم این متن سال ۱۲۶۹ در ضمن کتاب «مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سُلَمی» چاپ شد و در مراکز علمی و دانشگاهی ایرانی هم کم کم شهرت پیدا کرد و درباره آن مقاله و پایان نامه نوشتند و ترجمه کردند.

به نظر می رسد هسته مرکزی تفسیر امام جعفر صادق (ع) در تفسیر منسوب به امام جعفر صادق (ع) همان است که سُلَمی به اختصار در حقایق التفسیر آورده است ولی به تدریج این هسته بسط پیدا کرده و به صورت مستقل هم کتابت شد. نسخه ای که جناب استاد صدوقی سها کار کردند یکی از نسخه های مستقل تفسیر منسوب به امام جعفر صادق (ع) هست که حدود سیصد صفحه است و در کتابخانه نافذ پاشا در استانبول به شماره ۶۵ محفوظ است.